

شنبه • ۲۳ شهریور ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۳۱ • ۷

# شرق روزنامه

## سیاست • روزنامه

|                                                             |                |
|-------------------------------------------------------------|----------------|
| <b>تا «جرم سیاسی» تعریف نشود، «مجرم سیاسی» انکار می‌شود</b> | <b>صفحه ۸</b>  |
| <b>قانون بد با بی قانونی؟</b>                               | <b>صفحه ۹</b>  |
| <b>مبارزه در دو فریم</b>                                    | <b>صفحه ۱۰</b> |

|                                                                   |
|-------------------------------------------------------------------|
| <b>روزنه</b>                                                      |
| <p><b>۱۱۳ سال جرم سیاسی بدون هویت</b></p> <p><b>رها خسروی</b></p> |

دو الزام در دوقانون اساسی گویا آنقدر قوی یا کافی نبوده که تکلیف را یکسره کند. مشروطه‌چیان در قانون اساسی سال ۱۲۸۵ نوشتند و انقلابیون ۵۷ هم در قانون از جرم سیاسی گفتند اما هنوز کسی نمی‌داند که بالاخره جرم سیاسی چیست و مجرم سیاسی کیست. اولین‌بار که سخن از جرم سیاسی به میان آمد و قانونگذار آگاهانه آن را از میان جرایم عادی دیگر جدا کرد، ۱۱۴ سال پیش و به دنبال جنبشی بود که هواخواهانش عدالت می‌خواستند و قانون. در قانون مشروطه بند اقتدارات محاکمات ذیل اصل هفتادوم آن آمده بود: منازعات راجع به حقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است. مگر در مواقعی که قانون استثنا کند. دراصل هفتادوهفتم هم آمده بود: در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه مجرمانبودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آرا جمیع اعضا محکمه بشود. اصل هفتادونهم هم می‌گفت: ادر مواد تقصیرات سیاسی و مطبوعات – هیاتمنصفین در محاکم حاضر خواهند بود، متأسفانه اراده‌ای پیدا نشد تا همین قانون مشروطه را اجرا کنند آن هم در حالی که در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی سابق گفته شده بود: «رمورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیات‌منصفین در محاکم حاضر خواهند بود،» بسیاری از افرادی که جزو نسل اول انقلاب اسلامی بودند به خاطر قانونی که هیچ‌گاه درست اجرا نشد و هیات منصفه‌ای که هیچ‌گاه تشکیل نشد، سال‌ها در دادگاه نظامی شاه، به‌عنوان مجرم امنیتی محاکمه شدند و به زندان افتادند. نسل اول انقلاب هم که قانون اساسی کشور را نوشتند در اصل ۱۶۸ قانون اساسی کشور که به صراحت آوردند که جرایم سیاسی و مطبوعاتی را دادگاه عادی رسیدگی می‌کند: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات‌منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد،» اتفاقی که به جز برای جرایم مطبوعاتی هیچ وقت رخ نداد. با عبور از عصر جنگ و دولت سازندگی از دولت اصلاحات که با شعار توسعه‌یابی روی کار آمده بود انتظار می‌رفت که بالاخره تکلیف این ماده مغفل مانده قانون اساسی یکسره شود. این اتفاق اما از سوی مجلس ششم همسو با دولت پیگیری شد و در نهایت به شکل یک لایحه در آمد اما پس از عدم تأیید شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت رفت و همان‌جا ماند. در اواخر سال ۸۷م به‌دربار کمیسیون قضایی مجلس هشتم در این خصوص وارد شد و تاحدی مصادیق جرم‌سیاسی را تعیین کرد. آنچه در کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت متنی بود که در اردیبهشت ۱۳۸۷ در قوه‌قضاییه تهیه و مقرر شده بود. پیش‌تر هم بر اساس برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و… مصوب ۱۳۸۲، بند «د ماده ۱۳۰، قوه قضاییه ملزم به تهیه و تصویب لایحه تعریف جرم سیاسی و تفکیک آن از سایر جرایم شده بود. این ماده، که در هیچ‌یک از متون قانونی، من‌جمله قانون مجازات اسلامی – مصوب ۱۳۹۲ نیامده است، به این شرح است: ۱– هریک از اعمال زیر چنانچه با قصد مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد و متضمن خنثی‌تواندگی جرم سیاسی محسوب می‌شود و مرتکب به همکاری نیست شش ماه تا دو سال با اجبار به اقامت در محل معین یا منع از اقامت در محل معین از دو تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی به‌مدت پنج‌سال محکوم خواهد شد. ۱. فعالیت‌های تبلیعی موثر علیه نظام. ۲– برگزاری اجتماعات یا راهپیمایی‌های غیرقانونی. ۳. نشر اکاذیب یا تشویش اذهان عمومی از طریق سخنرانی در مجامع عمومی، انتشار در رسانه‌ها، توزیع اوراق چاپی یا حامل‌های داده (دیتا) و اتمال آن. ۴. تشکیل یا اداره جمعیت غیرقانونی یا همکاری موثر در آنها. ۵. تلاش برای ایجاد یا تشدید اختلاف بین مردم در زمینه‌های دینی، مذهبی، فرهنگی و نژادی. این متن دو تبصره هم داشت: ۱– چنانچه جرم سیاسی همراه با یکی از جرایم دیگر ارتکاب یابد، مرتکب به مجازات‌اشد محکوم خواهد شد. ۲– صرف‌اتقناد از نظام سیاسی یا اصول قانون اساسی با اعتراض به عملکرد مسئولان کشور یا دستگاه‌های اجرایی یا بیان عقیده در ارتباط با امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظائر آن جرم محسوب نمی‌شود. گفته شد که در مورد این متن هم تاملات و اما و اگرهای بسیار وجود داشت که در همان زمان مطرح شد. اما به هر حال حتی همین متن با همه اشکالات و نقض‌هایش تصویب و ابلاغ نشد. حالا مجلسیان دوباره دست به کار شده‌اند تا بالاخره با این ماده مغفل مانده اما مهم قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران را تعیین تکلیف کنند. از قرار معلوم چهار منبع به دست کمیسیون قضایی مجلس رسیده بوده تا مبنای عمل قرار گیرد. یکی را گروهی از استادان حقوق دانشگاه‌های کشور فرستاده بودند.

طرح دیگر را مرکز مطالعات حقوق بشر قوه قضاییه در اختیار کمیسیون قرار داده بود، طرح قدیمی تعیین مصادیق جرم سیاسی هم که از سال ۸۴ تاکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام بالاکلیف مانده است به علاوه طرح جدیدی که مرکز پژوهش‌های مجلس انجام داده است هم دو منبع دیگر بودند، که در نهایت قرار از آن طرح مرکز پژوهش‌ها که در اعتقاد ابوالفضل ترائی دبیر دوم کمیسیون قضایی مجلس از سایر طرح‌ها کامل‌تر بوده مبنای کار قرار گیرد. او معتقد است که به این لایحه از منظر حقوقی نگاه شده و کاری به احزاب و تعریف علوم سیاسی نداشته‌اند. در حالی که گفته شد طرح جرم سیاسی مجلس ششم در سال ۸۰ به علت برخورد با ۱۸ ایراد از سوی شورای نگهبان به بن‌بست رسید اما ترائی گفته‌است که مادر طرح تعریف جرم سیاسی این ایراد را با کارشناسی تسبیل بر طرف کرده‌ایم. او گفته‌است که طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی چهار اصل جمهوریت، اسلامیت، اصل ولایت فقیه و اصل تشیع به‌عنوان مذهب رسمی جمهوری اسلامی غیرقابل خدشه‌اند برای همین در طرح تعریف جرم سیاسی ما نوئیم و افترا را با انگیزه نقد حاکمیت از این موارد جدا کرده‌ایم. جرایم مشمول مجازات دیات و قصاص و حدود به علاوه جرایم خشنوتیار تئورستی آدم‌ربایی، قاچاق اسلحه و مواد مخدر هم از مواردی است که به گفته ترائی از آن چهار اصل جدا شده‌اند. اللهیار ملک‌شاهی رییس کمیسیون قضایی مجلس هم درباره این طرح گفته بود: «حضور هیات‌منصفه حلقه مفقوده پرونده زندانیان سیاسی است و مجلس به دنبال این است که همان‌طور که جرایم مطبوعاتی با حضور هیات‌منصفه بر گزار می‌شود همین‌روال برای جرایم سیاسی هم در نظر گرفته شود. حالا باید منتظر ماند و دید بالاخره بعد از ۱۱۳ سال جرم و مجرم سیاسی در ایران دارای هویت می‌شوند یا نه!»

##### نگاه

##### تک‌ن

## جرم سیاسی؛ نگاه حقوقی یا نگاه سیاسی؟

آیا در تعریف جرم سیاسی باید فقط نگاه محض حقوقی و قضایی داشت یا اینکه باید نگاه احزاب و گروه‌های سیاسی به جرایم سیاسی را هم مد نظر قرار داد؟ و چرا خیلی از رژیم‌های سیاسی از تعریف جرم سیاسی امتناع دارند؟

در تعریف جرم سیاسی و تعیین مصادیق آن نباید نگاه‌های حزبی و گروهی و تشکل‌های سیاسی را دخیل کرد. نیت و هدف کسانی که لایحه تعریف جرم سیاسی را تنظیم می‌کنند، باید نفع مردم باشد و نه دغدغه حزبی و سیاسی. تعریف جرم سیاسی باید با نگاه حقوقی و تأمین منافع ملی همراه باشد. چون این میحت کاملاً حقوقی است، و مناقشات سیاسی در آن دخالت ندارد. در عین حال حقوقدانان کیفری در تعریف جرم سیاسی دارای اختلاف نظر هستند. اما اینکه این اختلاف‌نظرها در تأخیر تعریف جرم سیاسی از حیث تعیین تکلیف تعریف جرم سیاسی توسط قانونگذار که باید طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی به آن مبادرت کند از کجا سرچشمه می‌گیرد، جای بحث و تامل دارد. قانون اساسی ایران مشخصاً به دو ویژگی از ارفاقات یعنی لزوم علنی‌بودن رسیدگی و حضور هیات‌منصفه در رسیدگی به جرم سیاسی تصریح کرده است. به‌طور خلاصه باید گفت، به هر حال در پاسخ به پرسش مطرح‌ه، قانونگذار باید به دور از توجه به گرایش‌های حزبی یا گروهی، هرچه زودتر در پاسخ به اصل مسئله مانده ۱۶۸ قانون اساسی، جرم سیاسی و مصادیق آن را تعریف و مشخص کند تا بیش از این به حقوق اشخاصی که ممکن است هابیت جرم‌سیاسی باشد، ولی دادگاه‌ها همان را به اتهام جرم امنیتی تلقی و مبادرت به محاکمه و مجازات آنها کنند لطمه وارد نشود و این اشخاص بتوانند از ارفاقات لازم حقوقی از جمله رسیدگی به اتهام در دادگاه عمومی و نیز رسیدگی علنی و بسا حضور هیات‌منصفه‌برخوردار شوند.

موضوع دیگری که در تعریف جرم سیاسی مساله‌ساز است، اینکه عده‌ای با تعریف جرم سیاسی مخالفت می‌کنند. این موضوع به نظر من یک دلیل عمده دارد و آن اینکه چون جرایم سیاسی و تعریف مصادیق آن مستقیم با دولت‌ها سروکار دارد و در واقع طرف دعوا دولت‌ها هستند، خیلی از آنها با تعریف آن موافق نیستند و ترجیح می‌دهند که در این زمینه سکوت کنند. در حالی که اصلاً اینطور نیست و تعریف نکردن جرم سیاسی دلیل بر نبود جرم سیاسی و مجرم سیاسی نیست. این اصل دقیقاً به جرم سیاسی توجه کرده و اینکه تا به حال به این اصل بی‌توجهی شده است، چنان‌که در پرسش قبل گفته شد، جای سوال دارد و با توجه به رعایت حقوق شهروندی و دادرسی و اجرای حکم مردم جایی برای مجرم سیاسی وجود ندارد. در عین حال با توجه به اینکه دولت‌های موجود غالباً فاقد نظام دموکراتیک هستند، پیش‌بینی تعریف جرم سیاسی و ارفاقات لازم در مجامع مجازات، دادرسی و اجرای حکم نسبت به متهمان و مجرمان سیاسی همان‌طوری که ضرورت آن در اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران مقرر شده، لازم است.

|                                                                                     |
|-------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>«استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی</b>                                                  |
| <span></span>                                                                       |
| <div><div><span><span></span></span></div><span><b>ادامه در صفحه ۸</b></span></div> |



عکس: آیدین رهبر شرق

## دکتر محمود آخوندی در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

# فراز و فرودهای جرم سیاسی در ایران

##### یا انگیزه مرتکب می‌دانند، نوعی محدودیت برای تعریف جرم‌سیاسی است؟

باید هر دو ضابطه برای تشخیص جرم‌سیاسی مورد استفاده قرار گیرد تا مفهوم این جرم گسترش یابد. یعنی به جای اینکه با تعریف جرم را محدود کنیم بهتر است گفته شود هر فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای می‌تواند سیاسی باشد، مشروط بر اینکه برای حفظ منافع ملی و استقلال میهنی باشد.

##### آیا شرایطی مورد نظر است؟

بعضی از جرم‌ها نمی‌تواند سیاسی باشد و به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان با مرتکبین آنها برخورد‌های سیاسی داشته باشیم، به‌ویژه سه نوع جرم. جرم علیه استقلال کشور، جرم علیه تمامیت ارضی و بالاخره جرم علیه وحدت ملی. این سه جرم همیشه استثناس‌ت. هیچ مرتکبی حق ندارد به بهانه سیاسی رفتار کردن این جرایم را برای حفظ منافع ملی متمسک قرار دهد.

##### شرایط رسیدگی به جرم‌سیاسی چیست؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۸ چنانچه دیدیم برای رسیدگی به جرایم سیاسی سه ضابطه مهم را تعیین کرده است. اولین مورد، این است که جرم‌سیاسی باید در دادگاه‌های دادگستری مورد رسیدگی قرار گیرد. بر این مبنا رسیدگی به‌دادگاه‌های انقلاب، روحانیت و نظامی نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد. هرچند در قوانین موضوعه گاهی اوقات این مراجع را در ردیف دادگاه‌های دادگستری دانسته‌اند. دومین مورد اینکه رسیدگی به جرایم سیاسی باید علنی باشد. یعنی جرم‌سیاسی را هیچ زمان و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان غیرعلنی رسیدگی کرد و این تضمین بسیار مطلوبی است برای متهمان جرایم سیاسی که شهروندان از نحوه رفتار با آنان آگاه می‌شوند و امنیت قضایی برقرار می‌شود. یکی دیگر از شرایط رسیدگی به جرم‌سیاسی حضور هیات‌منصفه در این نوع دادرسی‌هاست که شاید بتوان آن را شاهیت مقررات قانون اساسی دانست.

##### این هیات‌منصفه باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

هیات‌منصفه باید متشکل از برگزیدگان ملت و معتمدان جامعه باشد، زیرا اگر اعضای هیات‌منصفه منصوب دولت باشند، دیگر نماینده وجدان عمومی جامعه نخواهند بود و در واقع ارزش و کارآیی خود را از دست می‌دهند. اعضای هیات‌منصفه محاکم سیاسی باید افرادی آگاه بوده و از نظر دانش، میهن‌پرستی و اشراف به مفهوم جرم‌سیاسی در سطح بالایی قرار داشته باشند.

**علت اینکه جرم‌سیاسی باید با حضور هیات‌منصفه بر گزار شود، چیست؟**
گفتیم جرم‌سیاسی با انگیزه شرافتمندانه صورت می‌گیرد. تشخیص شرافتمندانه‌نبودن یا نبودن عمل ارتکابی و هدف جرم برای حفظ منافع ملی اموری نیستند که دادرسان آنها را در دوره‌های آموزشی خود یاد گرفته باشند. به عبارت روشن‌تر مفهوم‌های قضایی ندارند، بلکه مفهوم‌های اجتماعی هستند. در نتیجه شهروندان عادی در این رهگذر بهتر می‌توانند جرم را ارزیابی کنند و خارج از معیارها و چارچوب‌های قانونی تصمیم‌گیری می‌کنند. البته آنچه در حال حاضر می‌شود به‌عنوان یک مدل جدید ارایه داد این است که می‌توان در رابطه با جرایم سیاسی دو نوع هیات‌منصفه داشت.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>زمانی که طرح اولیه را ارایه و تعریفی از جرم‌سیاسی بیان کردم نظر آقایان بر این شد که این تعریف از جرم‌سیاسی شامل اعمال گروهک‌ها می‌شود. گفته شد اگر منظور از جرم‌سیاسی این است که با مرتکبان اینگونه جرایم با ملایمت رفتار شود و هیات‌منصفه‌ای بز هکاربودن یا نبودن این نوع متهمان را تعیین کند، فعلاً مورد نیاز نیست و دست نگه داشته شد</b> |
| <span></span>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |

##### منظور چیست؟

در سیستم دادرسی‌های مختلط که تقریباً در همه کشور‌های جهان حاکمیت دارد و در کشور ما نیز حاکم است، دادرسی‌های کیفری به دو مرحله مهم تقسیم می‌شود: تحقیقات مقدماتی و دادرسی. در قوانین موضوعه کشور ما که درباره جرایم مطبوعاتی وجود دارد، هیات‌منصفه تنها در مرحله دادرسی شرکت می‌کند و در مرحله تحقیقات مقدماتی از هیات‌منصفه خبری نیست. در حالی که می‌دانیم سرنوشت متهم در همین مرحله رقم می‌خورد. روزها، هفته‌ها و حتی ماه‌ها متهم را بازداشت می‌کنند، تحت نظر قرار می‌دهند، مقامات قضایی، پلیسی و امنیتی به راحتی هدف‌های مورد نظر خود را تعقیب می‌کنند. در حالی که اگر در این مرحله هیات‌منصفه وجود داشته باشد و بلافاصله پس از اعلام سیاسی بودن جرم از سوی متهم به هیات‌منصفه مقدماتی خبر دهند، در جلسه بازجویی حاضر شوند. در این صورت حقوق دفاعی متهم تضییع نمی‌شود. روشی که باید در طرح‌های مربوط به هیات‌منصفه جرایم سیاسی منظور شود تا حقوق شهروندی به طور کامل مورد رعایت قرار گیرد.

حالا که سخن به اینجا رسید، بد نیست گفته شود که در دوران گذشته جرم‌سیاسی مفهوم گسترده‌تری داشت. اساً امروز رنگ باخته‌است زیرا جرم‌سیاسی برای تغییر نظام‌های سیاسی و عزل مسوولان و زمامداران صورت می‌گیرد. در دنیایی که رای ملت حاکم است به آسانی می‌توان تغییر داد یعنی با ندانن رای دیگر نیازی به کودتا و توطئه وجود ندارد. در نتیجه در کشورهای داری دموکراسی جرم‌سیاسی مفهومی ندارد. زمامدار همین که دید ملت به او



##### عشرت عبد‌الهی

بشتر دوره‌های سیاسی مختلفی را تجربه کرده، اما سالیانی چند است که دولت‌های مدرن به تدریج مستقر شدند و واژگان جدید با کارکردهایی دموکراتیک که تسهیل‌کننده امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند به ادبیات سیاسی اینگونه جوامع وارد شدند. حقوق جدید و کارکرد مدنی و مدرن آن با بار معنایی متناسب با زندگی بشتر امروز، از جمله این واژگان است که با سرعت، زندگی فردی و اجتماعی بشتر را دستخوش تحولات مثبتی کرده و کوشش شده که آزادی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی را در اینگونه جوامع توسعه دهد. قانون اساسی و قوانین عادی هم در راستای چنین پیروزی انقلاب، آن را مسکوت گذاشته است. بررسی این موضوع که مجالس قانون اساسی ایران به مفاهیم و واژگان حقوق مدرن پرداخته شده، اما وضع قوانین عادی برای ارایه تعریف و چارچوبی از این مفاهیم، همچنان مسکوت مانده است. جرم‌سیاسی هم دچار چنین سرنوشتی شده است. با وجود اینکه در اصل ۱۶۸ قانون اساسی چارچوب کلی رسیدگی به جرایم سیاسی بیان شده، اما قانونگذار عادی برای مدتی طولانی یعنی گذشت حدود ۳۵سال از پیروزی انقلاب، آن را مسکوت گذاشته است. بررسی این موضوع که مجالس قانونگذاری مختلفی دوره‌های قانونگذاری را یکی پس از دیگری سپری کردند و دولت‌هایی که آمده‌اند و رفته‌اند و قوه‌قضاییه که در طی این سال‌ها روسای آن هر بار وعده‌هایی برای تعریف جرم‌سیاسی داده‌اند، اما اتفاق خاصی رخ نداد. نباید پاسخ به این سوال سخت باشد که چرا تاکنون چنین نشده است. دکتر محمود آخوندی استاد برجسته حقوق که خود در دوره‌ای برای تهیه پیش‌نویس جرم‌سیاسی دعوت به همکاری شده، کسی است که می‌تواند هم از نظر بررسی این موضوع بر پایه مبانی حقوق جدید و هم از نظر تجربه شخصی در سال‌های گذشته، به واکاوی این موضوع بپردازد. گفت‌وگو با پدر علم حقوق ایران و مولف کتاب‌های آیین دادرسی کیفری، خواننده را وارد دنیایی از دغدغه‌های استاد می‌کند؛ دغدغه برای جامعه‌ای که دوست دارد پیشرفت آن را برای زندگی بهتر ببیند.

## سابقه تلاش برای تعریف «جرم‌سیاسی» در کشور ما به چه زمانی برمی‌گردد؟

جرم‌سیاسی در کشور ما پدیده جدیدی است که پیدایش آن به دوران مشروطیت می‌رسد یعنی حدود ۹۰ سال پیش. درست از زمانی که متمم قانون اساسی دوران مشروطیت نوشته شد، جرم‌سیاسی در این قانون پیش‌بینی شد. پس از انقلاب اسلامی اعضای مجلس خبرگان نیز به جرم‌سیاسی توجه داشته و آن را نیز قانونمند کردند. به موجب اصل پادشده رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات‌منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیات‌منصفه و تعریف جرم‌سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.

چنانچه ملاحظه می‌شود اصل پادشده همان مقررات متمم قانون اساسی دوران مشروطیت است. اما نه در ۱۰۰سالگی که مشروطیت دوام داشت و نه سی‌وچند سالی که جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده است. در هیچ شرایطی قسمت اخیر اصل مذکور پیاده نشده است، به عبارت دیگر جرم‌سیاسی در این زمان نسبتاً طولانی تعریف نشده و ضابطه تشخیص آن معلوم نشده است و چگونگی تشکیل هیات‌منصفه و میزان اختیارات این هیات در جرایم سیاسی نیز مشخص نشده است.

##### علت اینکه بر تعریف جرم‌سیاسی تاکید شد، چه بود؟

علت امر روشن است. جرم‌سیاسی علیه دولت‌مردان است. جرم‌سیاسی علیه افراد عادی واقع نمی‌شود. این روش شاید در سایر کشور‌های دنیا هم از ابتدای پیدایش مفهوم جرم‌سیاسی وجود داشته است فقط مختص کشور ما نیست. نهایت اینکه به تدریج آنها وجود جرم‌سیاسی را پذیرفته‌اند و قانونمند کرده‌اند. در کشور ما جرم‌سیاسی تعریف نشده است. با نبود تعریف قانونی، حقوقدانان و اندیشمندان سعی کرده‌اند بر مبنای ذهنیت خود آن را تعریف و توجیه کنند که کمتر موفق شده‌اند. زیرا تعریف جرم‌سیاسی باید به گونه‌ای باشد که قلمرو این جرم را افزایش دهد. به نظر من، مهم نفس جرم نیست، مهم اراده مرتکب آن است که اگر این انگیزه شرافتمندانه باشد و برای حفظ منافع ملی صورت گیرد، عمل ارتکابی یک جرم‌سیاسی خواهد بود. در نتیجه هر جرمی می‌تواند سیاسی باشد.

##### یعنی شما معتقدید که دامنه تعریف جرم‌سیاسی را نباید محدود کرد؟

در تعریف جرم‌سیاسی را نباید محدود کرد. از نظر من هر جرمی می‌تواند سیاسی باشد. بهتر است به جای اصلاح جرم‌سیاسی، سیاسی کردن جرم را عنوان کنیم. یعنی هر جرمی که با انگیزه سیاسی، خدمت به میهن، منافع ملی، حفظ تمامیت ارضی، حفظ استقلال و جلوگیری از خیانت واقع شود این جرم رنگ سیاسی خواهد داشت. پس نباید در تعریفی که از جرم‌سیاسی می‌کنیم دامنه این جرم را محدود کنیم.

##### یعنی اینکه برخی تشخیص جرم‌سیاسی را بر مبنای نتایج عمل مرتکب